

آبگر مکن، یخچال، فریزر، اجاق گاز و اشیای بلند و بسیار سنگین باید با بست یا تسمه‌های مناسب به کف و دیوار منزل محکم شوند.



کشف ۴۷ قطعه پلاک طلای قبل از اسلام در زنجان

مأموران یگان حفاظت میراث فرهنگی زنجان موفق شدند در یک معامله اشیای تاریخی - فرهنگی ۴۷ قطعه پلاک طلا مربوط به دوران قبل از اسلامی را کشف و ۶ متهم را در این رابطه دستگیر کنند. سرهنگ ابوالفضل مرادی، فرمانده یگان حفاظت استان در این باره گفت: «۱۵۵ قطعه طلا و اشیای تاریخی هنگام معامله از قاچاقچیان اشیای تاریخی فرهنگی به دست آمد این اشیای شامل یک سینی مسی، یک ظرف سفالی، دو عدد سنگ کمر بند و ۴۷ قطعه پلاک طلا است که از میان آنها سینی، سنگ کمر بند و ظرف سفالی فاقد ارزش تاریخی فرهنگی شناخته شدند.» پرستو قاسمی، مسئول امور موزه‌های اداره کل میراث فرهنگی استان نیز در این مورد گفت: «این پلاک‌ها متعلق به دوران قبل از اسلام بوده که بر اساس بررسی‌های انجام شده به بخشی از لباس یا چرم وصل می‌شده است.» او در خصوص پلاک‌های طلا گفت: «قوش ملیله کاری در این آثار مشهود است.»

ذره بین

راننده تاکسی اینترنتی تصاویر غیر اخلاقی برای مسافرش ارسال می‌کرد

شهروند اراننده یکی از شرکت‌های حمل و نقل اینترنتی در استان سمنان به اتهام ایجاد مزاحمت برای مسافر خود در فضای مجازی، دستگیر شد.

چندی پیش خاتم سمنانی به پلیس فتای مرکز استان مراجعه و شکایتی مبنی بر مزاحمت اینترنتی را مطرح کرد. بنابراین پرونده‌ای در این خصوص تشکیل شد و در دستور کار مأموران قرار گرفت.

در بررسی‌های اینترنتی و میدانی کارشناسان و مهندسان پلیس مشخص شد، فردی با ارسال تصاویر غیر اخلاقی و درخواست‌های غیر منطقی در شبکه اجتماعی تلگرام برای شاکای ایجاد مزاحمت کرده است.

بنابراین موضوع در دستور کار مأموران قرار گرفت و تحقیقات تخصصی و گسترده مأموران انتظامی در این خصوص آغاز شد. در ادامه تجسس‌های فنی پلیس، متهم پرونده که در یکی از شرکت‌های حمل و نقل اینترنتی شاغل بود، شناسایی و به اداره پلیس منتقل شد.

وی در بازجویی‌ها به مزاحمت اینترنتی اعتراف کرد و گفت: «من راننده تاکسی اینترنتی هستم. یک بار این خاتم را سوار خودروام کردم و در راه متوجه شدم که مشکلات خانوادگی زیادی دارد. او وقتی با تلفن صحبت می‌کرد متوجه این مشکلاتش شدم و سر صحبت را با وی باز کردم. وقتی به اندازه کافی اطلاعات گرفتم، اقدام به ارتباط گیری و مزاحمت برای وی کردم. قصدم اخاذی بود و می‌خواستم با این اطلاعات از او پول بگیرم. تصور نمی‌کردم که شناسایی شوم.»

ضرب و شتم دختر جوان توسط یک مامور نما

شهروند | سارقی که تحت عنوان مامور پلیس و برای تهیه پول موادمخدر مصرفی خود، خانمی را کتک زده بود از سوی مأموران کلاتری دستگیر شد.

روز ششم ماه جاری به مأموران کلاتری ۱۵۷ مسعودیه اعلام شد که یک مامور نامحتملی جوان را مورد ضرب و شتم قرار داده است. بنابراین رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفت و بلافاصله مأموران به بوستان والفجر اعزام شدند. شاکای در محل به مأموران گفت: «یک آقا سوار بر خودروی پژو ۲۰۶ با شماره پلاک مشخص، جلوی من پیچید و تحت عنوان این که مامور انتظامی است، مرا به شدت کتک زد و از من درخواست کرد وسایل ارزشمند همراهم از جمله گوشی و طلاجاتم را بدهم که من هم مقاومت کردم. شماره پلاک خودرو را هم برداشتم.»

با اعلام این شکایت شماره پلاک این خودروی پژو ۲۰۶ به همه واحدهای گشتی اعلام شد و متهم در حالی که در خیابان‌های مسعودیه در حال گشتزنی بود، شناسایی و دستگیر شد. همچنین خودروی وی نیز توقیف شد.

در بازرسی از متهم یک قبضه کلت بادی، یک بی‌سیم با مارک کن‌وود و یک قبضه چاقو به همراه آلات مصرف مواد مخدر کشف و ضبط شد. متهم طی تحقیقات پلیسی انگیزه خود از این کار را تهیه پول موادمخدر مصرفی اش اعلام کرده است. سرهنگ ایرج ارسلانی، رئیس کلاتری ۱۵۷ مسعودیه با اعلام این خبر گفت: «متهم به کلاتری منتقل شد و پرونده‌ای در این زمینه تشکیل و به مقام قضائی تحویل داده شد.»

وی به شهروندان توصیه کرد: «در صورت مشاهده چنین مواردی حتماً از آنها کارت شناسایی بخواهند و این که به سرعت از طریق تماس با دو شماره ۱۱۰ و ۱۹۷ واحدهای انتظامی را در جریان موضوع قرار دهند.»

آگهی مفقودی
کارت هوشمند راننده یوسف نجفی به شماره کارت ۱۱۴۵۲۶۱ و تاریخ صدور ۱۳۹۱/۰۹/۲۷ و کد ملی ۱۵۸۱۵۲۵۴۱۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد
کارت هوشمند با رگبر غیر ثابت امیکو به شماره کارت ۱۸۴۶۲۲۲ و تاریخ صدور ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ و شماره پلاک ۲۵ ایران ۰۷۶۷۰۶۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلچگی به نشانی ایلچگی، خیابان امام ارسال نماید
سند تقویض وکالت به شماره ۲۸۴۶۳ و تاریخ ۹۰/۱۲/۴ دفترخانه ۱۲۸ تبریز مربوط به خودروی پراید مدل ۸۱ به شماره پلاک ۱۵ ایران ۳۹۱ من ۵۷ و شماره موتور ۴۱۹۱۱۸ و شماره شاسی S۱۴۱۳۲۸۱۸۵۴۸۸ و سند وکالت فروش خودروی مذکور به شماره ۱۸۸۰۰ تاریخ ۸۹/۳/۱۰ دفترخانه ۱۵۹ تبریز و سند قطعی ماشین به شماره ۱۵۲۹۲۷ و تاریخ ۸۲/۱۰/۲۷ دفترخانه ۱۱ تبریز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد
مدرک فارغ التحصیلی اینجاب مهدی علی پور فرزند پهمن به شماره شناسنامه ۷۰۹ صادره از تبریز مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی تکنولوژی مکانیک خودرو صادره از واحد دانشگاهی ایلچگی با شماره ۰۷۶۷۰۶۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلچگی به نشانی ایلچگی، خیابان امام ارسال نماید

شهروند | ۵ نفر هستند اما ۵۰۰ زیر شاخه دارند؛ ۵۰۰ نفری که در کلاهبرداری‌های کلان به آنها کمک می‌کنند. باندی بزرگ از تصادفات ساختمانی که به هر آسیبی تن می‌دهند تا بتوانند از بیمه پول بگیرند. سناریوی تکراری تصادفات ساختمانی، این بار تلاش سربازان گمنام امام زمان (عج) و باز پرس پرونده در استان گلستان به پایان رسید. این یکی از بزرگترین باندهای تصادفات ساختمانی در کشور محسوب می‌شود که اعضای آن توانستند از ۲۰ شرکت بیمه در کل کشور ۱۰ میلیارد تومان پول به جیب بزنند. تصادف عمدی با عابر پیاده، واژگون کردن عمدی خودرو و تصادف ساختمانی خودرو و موتورسیکلت از جمله فعالیت‌های این تیم حرفه‌ای بود. از چندماه پیش گزارش فعالیت‌های این شبکه در دستور کار پلیس قرار گرفت. سربازان گمنام امام زمان (عج) ماه‌ها بر روی این پرونده متمرکز شده و کار کردند تا این که در نهایت اعضای اصلی این تیم بزرگ شناسایی شدند؛ ۵ نفر از اعضای باندی که با تصادفات ساختمانی از شرکت‌های بیمه پول می‌گرفتند. فعالیت‌های این تیم بسیار گسترده بود. تحقیقات و بررسی‌های مأموران و سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره کل اطلاعات استان گلستان نشان داد که این ۵ نفر، ۱۵۰ سر شاخه دارند که بیش از ۵۰۰ زیر شاخه برای این ۱۵۰ سر شاخه فعالیت می‌کنند. بررسی‌هایشان داد که اعضای این باند آسیب جدی به خود وارد نمی‌کردند ولی با آسیب رساندن‌های سطحی و جعل مدارک، پول‌های کلانی از شرکت‌های بیمه گرفته‌اند.

هادی هاشمیان، رئیس کل دادگستری استان گلستان درباره جزئیات این پرونده به خبرنگار «شهروند» توضیحاتی داد: «اعضای این باند در گروه‌های ۵ و ۶ نفره، در جاده‌های خلوت خودروهای خود را واژگون می‌کردند و با صحنه‌سازی، پلیس و اورژانس را به محل تصادف می‌کشاندند. پس از انتقال مصدوم به بیمارستان، اعضای این باند گزارش‌های پزشکی و مراکز تصویربرداری را با تفسیری که مد نظرشان بود، روی سر برگ‌های این مراکز که از



دختر بلوچی که گاندهو دستش را بلعیده بود، با کمک معلم روستا برای ادامه تحصیل تلاش می‌کند

حوا چپ دست می‌شود

شهروند | آخرین روزهای تیرماه بود که خبر حمله گاندهو به «حوا» منتشر شد. حادثه تلخی که باعث شد این دختر ۱۰ ساله باقی عمرش را معلول باشد. گاندهو دست راست حوا را بلعید. این بچه ۱۰ ساله تا چندقدیمی مرگ رفت، اما به هر ترتیب نجات پیدا کرد. اقوامش او را از زیر آب و میان آرزوهای قدرتمند تمساح پوزه کوتاه بیرون کشیدند، بعد هم به در مانگاه و بیمارستان زاهدان اعزام شد، اما دیگر کار از کار گذشته بود و از دست راست این دختر چیزی باقی نمانده بود. پزشکان چاره‌ای نداشتند به جز قطع دست. البته حوا از ناحیه کتف و گردن آسیب دیده بود، اما مشکل اصلی همان دستش بود که در بیمارستان قطع شد. البته درمان حوا ادامه پیدا کرد و او برای روان‌درمانی به تهران اعزام شد. این دختر ۱۰ ساله همراه مادرش چند وقتی هم در پایتخت تحت مداوا قرار گرفت. با این حال کنار آمدن با معلولیت آن هم برای یک دختر بچه ۱۰ ساله کار راحتی نیست، آن هم برای حوای راست‌دست. او تقریباً کاری نمی‌توانست انجام دهد، بیشتر از همه این که دیگر نمی‌توانست چیزی بنویسد و این برای حوا آن هم در آن شرایط سخت زندگی نبود امکانات معنایی به جز ترک تحصیل نداشت. اما حالا: «فشاری مولاباد»، روستای محل زندگی حوا خبر می‌رسد که او تمریناتش را برای نوشتن با دست چپ شروع کرده. تمرینی که زیر نظر معلم همان روستا به صورت رایگان بر گزار می‌شود. در واقع خانم معلم روستای مولاباد برای کمک به حوا و این که این دختر بتواند همراه با بقیه بچه‌ها اول مهر سر کلاس حاضر باشد، کار آموزش او را بر عهده گرفته است.



است، در این مدت خیلی هم به حوا کمک کرده و ما از او ممنونیم. روزهای اول خیلی برای حوا سخت بود، اما الان خیلی بهتر شده و جمله‌ها را با سرعت خوبی می‌نویسد. معلمش هم از پیشرفت او ارضی است. به من گفت اگر حوا به همین خوبی پیش برود، اول مهر می‌تواند به مدرسه بیاید» او درباره حال این روزهای حوا هم توضیح می‌دهد: «حوا خیلی بهتر شده. قبلاً گوشه‌گیر و ترسو بود. همین الان هم اصلاً به آب رودخانه نگاه نمی‌کند. روزهای اول که تازه از بیمارستان به خانه آمده بود، شب‌ها از خواب می‌پرید و گریه می‌کرد، جیغ می‌کشید و اسم من را صدا می‌زد، اما حالا حالش عوض شده، از وقتی خانم معلم به خانه ما می‌آید. حوا درس و نوشتن را خیلی دوست دارد و از وقتی یاد گرفته با دست چپش هم بنویسد، خوشحال‌تر از قبل است. او قبلاً به من می‌گفت که دیگر دوست ندارم به مدرسه بروم، چون فکر می‌کرد دوستانش او را مسخره می‌کنند. خودش به من گفت که نمی‌خواهد با یک دست پیش دوستان و هم‌کلاسی‌هایش برود. اما حالا همه چیز عوض شده، همین روز جمعه از من و پدرش خواست که برایش کیف و دفتر نو بخریم.»

آن‌طور که مصادر حوا می‌گوید بچه‌های روستای مولاباد تا کلاس ششم می‌توانند در این روستا درس بخوانند و برای دبیرستان باید به جای دیگری در



دنبال راهی بودم تا شرایط حوا را تغییر دهم

وقتی خبر حوا را شنیدم، خیلی شوکه شدم. نگران حالش بودم، بعد از چند روز خبر رسید خطر برطرف شده، تازه یادم افتاد که این دختر با چه مشکلی تا آخر عمرش دست به گریبان است. معلولیت آن هم برای یک دختر روستایی در سیستان و بلوچستان. واقعا چه سرنوشتی در انتظار او می‌توانست باشد. با خودم فکر کردم و دنبال راهی بودم تا شرایط حوا را تغییر دهم. تا این که آموزش نوشتن با دست چپ به ذهنم رسید. اینها را «تازی در زاده» معلم حوا به «شهروند» می‌گوید. معلمی که حالا چند هفته‌ای است به کمک این دختر رفته تا هر طور که شده او را برای اول مهر آماده کند: «وقتی پیشنهادم را با مسئولان آموزش و پرورش مطرح کردم، آنها استقبال کردند. بعد هم با خانواده حوا موضوع را در میان گذاشتیم. اتفاقاً مادر حوا خیلی هم خوشحال شد. الان دو هفته است که هر روز با حوا تمرین می‌کنم. البته کار کمی سخت است، اگر او کلاس اول یا دوم بود و تازه نوشتن را شروع می‌کرد کار راحتی داشتم، اما خوب این هم تجربه جالبی است. البته حوا حوا هم خیلی تلاش می‌کند. این دختر در همین مدت کوتاه توانسته با دست چپ خوانا بنویسد. من مطمئن هستم که او بدون هیچ مشکلی می‌تواند تا هر مقطعی که دوست داشته باشد درس بخواند، بدون هیچ محدودیتی و هدف من از کمک به این دختر فقط همین بود.»

فاصله ۲۰ کیلومتری مولاباد برون، همین هم باعث شده تا هفت خاوه حوا هیچ‌کدام بیشتر از ابتدایی درس نخوانند. اما مادر حوا برای آخرین دخترش تصمیمات دیگری دارد: «هر جور شده باید حوا درسش را تمام کند. درست است که این‌جا امکانات ندارد، شوهرم هم مثل همه مردهای این روستا و مناطق اطراف بیکار است، با این همه هر طور که

شکنجه دختری یک‌ونیم ساله در دماوند

پدر و نامادری معتاد دختر بچه را به طرز وحشتناکی سوزانده بودند

یک‌ونیم‌ساله مورد آزار و اذیت قرار گرفته است. در همان دقایق اولیه هماهنگی لازم نیز با کلاتری محل انجام شد و بررسی‌هایی در مورد این مسأله انجام گرفت و مشخص شد که این کودک توسط پدر و نامادری‌اش مورد آزار و اذیت قرار گرفته است؛ در ادامه اقدامات بعدی برای این کودک انجام شد. در بررسی‌ها مشخص شد که پدر این کودک ۲۸ ساله

مدیر کل بهزیستی استان تهران در ادامه صحبت‌هایش گفت: «پدر و نامادری هر دو مصرف‌کننده مخدر بوده و پس از بررسی‌های اولیه، کودک به یکی از مراکز درمانی برای طی فرآیند درمان ارجاع داده شد. پس از این مرحله و با دستور دادستان دماوند، کودک به یکی از مراکز بهزیستی سپرده شد و تا تعیین تکلیف از سوی مقام قضائی در این مرکز نگهداری خواهد شد.» او با اشاره به این که سازمان بهزیستی تا اخذ حق قانونی این کودک پرونده را پیگیری خواهد کرد، گفت: «در حال حاضر شرایط کودک در مرکز نگهداری قابل قبول است.»